

## عضویت در سازمان تجارت جهانی و اقتصادهای وابسته به

### نفت خام\*

محسن حبیبی باغی\*

دکترای تجارت بین الملل از دانشگاه میدل سکس لندن و کارشناس ارشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری

معاونت بین الملل و بازرگانی وزارت نفت [mo.habibi@nioc.ir](mailto:mo.habibi@nioc.ir)

تاریخ دریافت: 89/5/18 تاریخ پذیرش: 89/9/6

### چکیده

با توجه به ارائه‌ی رسمی گزارش رژیم تجاری ایران توسط وزارت امور خارجه‌ی کشور به دبیرخانه‌ی سازمان تجارت جهانی در پاییز 1388، اکنون سؤال اصلی این است که آیا کشور ایران با سبب صادراتی که در حدود 90% آن را نفت و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌دهد، با اقتصادی وابسته به صادرات نفت خام و فرآورده‌های آن، می‌تواند از عضویت در WTO در جهت شتاب بخشیدن به برنامه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود بهره برداری کند؟ در اواسط دهه‌ی 1990، تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه از جمله چند کشور مهم صادرکننده‌ی نفت، به امید تأثیر مثبت آزادسازی تجاری بر سرعت رشد و توسعه‌ی اقتصادی به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمدند. نتایج مطالعه‌ی حاضر که با تأکید بر فرمول تعدیل شده، محاسبه‌ی مزایای نسبی بلاسا (1965) در مورد هر دو گروه عضو و غیر عضو WTO انجام شده، تفاوت معناداری را از نظر افزایش تنوع محصولات صادراتی و یا افزایش تخصص در تولید و صادرات محصولات پیچیده‌تر نشان نمی‌دهد و براین مهم تأکید می‌کند که کشورهای صادرکننده‌ی نفت که تنوع سبب صادراتی آن‌ها محدود به صادرات کالاهای اولیه مانند نفت، گاز، فلزات پایه و ... می‌باشد، لزوماً و به طور خودکار با عضویت در WTO رشد نخواهند کرد، مگر این‌که شرایطی را جهت تغییر مزیت نسبی کشور از تولید و صادرات کالاهای اولیه به تولید و صادرات کالاهای پیچیده ایجاد کنند. به عبارت دیگر، عضویت در WTO و آزادسازی تجاری ناشی از آن، به تنهایی منجر به صنعتی شدن کشورهای مزبور نشده و سبب صادراتی آن‌ها را متنوع نخواهد ساخت.

طبقه بندی JEL: F14, O14, O24, Q48

**کلید واژه:** تجارت در صنایع ناهمسان، حمایت‌گری، مزیت نسبی آشکار شده، سازمان تجارت جهانی، تجارت در صنایع همسان، موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت.

\* تحقیق حاضر، دربرگیرنده‌ی بخشی از رساله‌ی دکترای محقق حاضر است، که براساس درخواست شرکت ملی نفت ایران انجام شده است.

\* نویسنده‌ی مسئول

## 1- مقدمه

سازمان تجارت جهانی<sup>1</sup> (WTO)<sup>2</sup> در سال 1995 بر اساس توافقنامه‌ی گات<sup>3</sup>، جهت تسهیل و توسعه‌ی تجارت بین‌الملل تأسیس شده است. این سازمان تلاش می‌کند با وضع قوانین و مقررات خاص، موانع تجاری را بین کشورهای عضو، حذف کند و یا تا حد قابل توجهی کاهش دهد.

با وجود این که بیش‌تر اقتصاددانان بر این موضوع توافق دارند که بهترین سیاست حاکم بر تجارت جهانی، می‌تواند تجارت آزاد باشد، دیدگاه حمایت‌گرایی<sup>4</sup> هنوز به اندازه‌ی نفوذ دارد که می‌توان از آن به‌عنوان مانعی جدی در مقابل سیستم تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد یاد کرد. در حقیقت ریشه‌های چنین دیدگاهی به نظریه سنتی مرکانتیلیسم<sup>5</sup> باز می‌گردد. بر اساس این نظریه، کشورها باید تلاش کنند بیش از آنچه وارد می‌کنند، صادر کنند، تا از این طریق ثروتمند شوند. در مقابل، تئوری تجارت آزاد به مدل مزیت نسبی<sup>6</sup> دیوید ریکاردو<sup>7</sup> (1817) برمی‌گردد که عنوان می‌کند، هر کشوری باید در تولید و صادرات کالا(هایی) تخصص یابد که نسبت به کشورهای دیگر مزیت نسبی قیمتی در تولید آن (ها) دارد و باید کالا(هایی) را وارد کند که در تولید آن (ها) نسبت به دیگر کشورها از مزیت نسبی برخوردار نیست. بر اساس این نظریه، چنانچه دولت‌ها در فعالیت‌های تجاری دخالت نکنند، منابع موجود در هر کشور در کاراترین حالت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، و مزایای حاصل از تخصص‌گرایی از طریق تجارت آزاد بین کشورها تقسیم می‌شود. قوانین و مقررات WTO، بر اساس تئوری دیوید ریکاردو، از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای و سایر تبعیض‌های تجاری، به کشورهای عضو در به حداکثر رساندن سطح روابط تجاری کمک می‌کند.

آنچه در کانون توجه این مطالعه می‌باشد، عبارت است از بررسی تأثیر آزادسازی تجاری حاصل از عضویت در WTO، بر سطح صنعتی شدن (یا توجه به تنوع محصولات

1- در این مقاله، عضویت در WTO، به معنای پذیرش بسته‌ای از قوانین این سازمان است که شامل آزادی تجاری، عدم تبعیض، عدم تحریم و ... در خصوص تجارت کالا و خدمات می‌باشد.

2- World Trade Organisation.

3- General Agreement on Tariff and Trade (GATT).

4- Protectionism.

5- Mercantilism.

6- Revealed Comparative Advantage (RCA).

7- Ricardo, see Salvatore 2001, International Economies (7th ed.).

صادراتی)، در گروه خاصی از کشورهای در حال توسعه که محصول اصلی آنان برای مدتی طولانی نفت خام بوده است.

دیدگاه‌ها در خصوص آزادسازی تجاری و توسعه‌ی اقتصادی بر مبنای تجارت، در کشورهای در حال توسعه، متفاوت است. عده‌ای از صاحب نظران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بر این باورند که تجارت آزاد و تبعیت از قوانین و مقررات WTO، در بلندمدت برای کشورشان مزایای اقتصادی ناچیزی به همراه دارد. علاوه بر این، تئوری مزیت نسبی بیان می‌کند که کشورهای در حال توسعه باید کالاهای اولیه، از قبیل مواد خام، سوخت و یا محصولات کشاورزی (که در آن تخصص دارند)، را تولید و صادر کنند؛ که انجام این فعالیت‌ها در عمل از تولید و صادرات محصولات با ارزش افزوده‌ی بالا، جلوگیری می‌کند. (سالواتوره<sup>1</sup>، 2001)

از سوی دیگر، اقتصاددانانی چون هابرلر<sup>2</sup> بر این باورند که تجارت بین الملل از راه‌های مختلف مانند صرفه‌جویی در مقیاس و انتقال تکنولوژی، قادر است اقتصاد کشورهای در حال توسعه را بهبود بخشد. بنا به نظر سالواتوره (2001)، "زمانی که یک کشور در حال توسعه سطح سرمایه‌ی اندوخته و تکنولوژی را بهبود می‌دهد، مزیت نسبی آن به تدریج از تولید محصولات اولیه به کالاهای تولیدی ساده و سپس کالاهای پیچیده‌تر تغییر می‌یابد."

سؤال کلیدی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که آیا عضویت در WTO می‌تواند در عمل، رفتار تولیدی و صادراتی کشورهای عضو را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که سبب ارتقای سطح صنعتی شدن در این کشورها شود، و بدین سان فرایند توسعه‌ی اقتصادی را تسهیل کند؟ برای پاسخ به این سؤال، اثرات عضویت در WTO در گروهی از کشورهای در حال توسعه که اصلی‌ترین کالای صادراتی آن‌ها نفت خام می‌باشد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بدین منظور، ترکیب پرتفوی صادرات این کشورها قبل و بعد از عضویت شان در WTO، با تمرکز بر وابستگی صادراتی بر نفت خام، با یکدیگر مقایسه می‌شود. از آنجایی که در این گروه از کشورهای در حال توسعه، نسبت صادرات نفت خام به صادرات کل آن کشورها، که در این تحقیق با شاخص (CER)<sup>3</sup> ارزیابی می‌شود، بسیار بالاست، هرگونه کاهش محسوس در مقدار شاخص مذکور، به

1- Salvatore.

2- Haberler, see Salvatore 2001, International Economics (7th ed.).

3- Crude Oil Export Ratio (CER).

این شرط که با تنوع محصول (به‌ویژه محصولات با ارزش افزوده‌ی بالا) در سبب صادراتی همراه باشد، را می‌توان به عنوان جهشی قابل توجه در راستای توسعه‌ی اقتصادی این کشورها تلقی کرد.

چنان‌چه جهش در نرخ رشد اقتصادی در این گروه از کشورها مد نظر باشد، صنعت نفت (با توجه به مزیت رقابتی موجود)، باید با تکیه بر تکنولوژی‌های نوین، نه تنها در راستای تولید و صادرات محصولات با ارزش افزوده‌ی بالاتر (از طریق تولید فرآورده‌های وابسته به نفت)، و یا صدور خدمات نفتی (از طریق صدور خدمات پیچیده‌ی مهندسی) در درون صنعت گام بردارد، بلکه این صنعت باید با مهیا کردن مواد اولیه، سرمایه و انرژی به توسعه‌ی سایر بخش‌های اقتصاد نیز کمک کند. روشن است که بهره‌برداری از صنعت نفت به عنوان موتور رشد کشور، از یک سو موجب افزایش صنایع توانمندی می‌شود که محصولات آن‌ها در سطوح جهانی قابل رقابت باشد (که این خود به شکل تنوع محصولات غیر نفتی در سبب صادراتی کشور متجلی می‌شود)، و از سوی دیگر می‌تواند وابستگی اقتصاد را به صادرات نفت خام کاهش دهد.

در تحقیق حاضر، 20 کشور صادرکننده‌ی نفت، (15 کشور عضو سازمان تجارت جهانی و پنج کشور غیر عضو<sup>1</sup>)، که درآمد سالانه‌ی سبب صادراتی آن‌ها با (CER) بزرگ‌تر از 30، بیش از 30 درصد (قبل از سال 1995)، به فروش نفت خام وابسته بوده است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جدول (1)، مشخصات این کشورها را نشان می‌دهد. کشورهای غیر عضو بدین منظور مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از نظر تغییر در ساختار سبب صادراتی با کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مورد مقایسه قرار گیرند.

وابستگی شدید اقتصاد کشورهای در حال توسعه‌ی صادرکننده‌ی نفت که در جدول (1) نام آن‌ها مشاهده می‌شود و منابع طبیعی آن‌ها اصلی‌ترین منبع کسب درآمدهای صادراتی محسوب می‌شود، به چهار دلیل شرایط خطرناکی را برای این کشورها در پی خواهد داشت:

1. چنان‌چه قیمت جهانی محصولی (مانند نفت خام) ثابت نباشد، طراحی و هماهنگ کردن برنامه‌های توسعه‌ی اقتصاد کشور بر مبنای درآمدهای حاصل از فروش آن کاری بسیار دشوار خواهد بود، به گونه‌ای که تغییرات غیر قابل پیش‌بینی قیمت محصول یاد شده، می‌تواند توسعه‌ی اقتصادی کشور را با چالشی جدی روبرو کند.

1- کشور عربستان اگرچه در سال 2005 میلادی به عضویت WTO در آمده، ولی به‌علت عدم امکان بروز شواهد تجارت آزاد در بازه‌ی زمانی بسیار کوتاه پس از عضویت، هم‌چنان در گروه غیر اعضا مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول 1- کشورهای صادرکننده نفت با CER بیش از 30%

کشورهای عضو	تاریخ عضویت در WTO	CER (%)	سهم کل ذخایر اثبات شده نفت	نسبت R/P <sup>1</sup>
	1	2	3	4
آنگولا	96/11	90/86	0/8	27/5
برونی	95/01	48/32	0/1	14/1
کامرون	95/12	40/54	0/0	9/0
کنگو	97/03	87/46	0/1	17/1
اکوادور	96/01	38/17	0/4	29/6
مصر	95/06	31/49	0/3	13/2
گابن	95/01	80/38	0/2	27/0
کویت	95/01	53/35	8/4	-
نیجریه	95/01	93/82	3/0	43/1
نروژ	95/01	33/41	0/9	8/5
عمان	00/11	74/95	0/5	18/5
قطر	96/01	67/11	1/3	45/5
امارت متحده و نزوئلا	96/04	47/25	8/5	-
	95/01	55/41	6/8	71/5
کشورهای غیر عضو				
الجزایر	-	44/47	1/0	16/7
ایران	-	84/50	11/4	92/9
لیبی	-	76/79	3/1	66/3
عربستان*	-	73/12	22/9	73/3
سوریه	-	43/01	0/2	10/5
یمن	-	79/73	0/1	4/2

منابع: ستون یک - WTO members list 2004 (online). Available from:

[http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm)

ستون دو - Author calculations based on UNCTAD, OPEC, and OAPEC datasets.

ستون سه و چهار - BP statistical Review of World Energy June 2004 [online]. Available from:

[http://www.bp.com/liveassets/bp\\_internet/globalbp/globalbp\\_uk\\_english/publications/energy\\_reviews/STAGING/local\\_assets/downloads/spreadsheets/statistical\\_review\\_of\\_world\\_energy\\_full\\_report\\_workbook\\_2004.xls](http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/globalbp/globalbp_uk_english/publications/energy_reviews/STAGING/local_assets/downloads/spreadsheets/statistical_review_of_world_energy_full_report_workbook_2004.xls)

\* اطلاعات مربوط به سال 2004 میلادی است.

\* کشور عربستان در سال 2005 میلادی به عضویت WTO در آمده است، ولی از آنجایی که بازه‌ی زمانی تحقیق تا سال 2008 را پوشش می‌دهد و فرصتی برای ظهور آثار عضویت در مورد این کشور وجود نخواهد داشت. لذا هم‌چنان به‌عنوان کشور غیر عضو مطالعه شده است.

1- نسبت R/P، زمان تخمینی (بر پایه سال) را نشان می‌دهد که این کشورها می‌توانند بعد از سال 2003، با همین نرخ برداشت از ذخایر خود، نفت تولید کنند.

2. اگرچه نفت خام را می‌توان بر اساس معیارهایی به انواع مختلف مانند نفت خام سبک و سنگین، دسته بندی کرد، اما باز هم این محصول، کالایی اولیه و ساده محسوب می‌شود، که از تجارت فراصنعتی<sup>1</sup> ممانعت می‌کند. کای<sup>2</sup> (1995)، در کتاب خود با عنوان "بنیان مؤفقیت سازمان"، بیان می‌کند "هنگامی که گفته می‌شود یک اقتصاد در حال توسعه باید به فعالیت‌هایی با ارزش افزوده‌ی بیش‌تر روی آورد، این به معنای افزایش درجه‌ی ادغام عمودی<sup>3</sup> نیست، بلکه به معنای تولید محصولات هرچه پیچیده‌تر و متفاوت‌تر است."

بر اساس تئوری مزیت نسبی، تجارت بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، معمولاً به شکل تجارت بین صنعتی<sup>4</sup> است که با توجه به وجود تفاوت‌های آشکار میان نسبت سرمایه به نیروی کار<sup>5</sup> بین این دو گروه از کشورها، سود بیش‌تری را نصیب کشورهای توسعه یافته می‌کند.

3. منابع طبیعی (مانند نفت خام) محدود هستند و تجدیدناپذیر

4. علاوه بر موارد فوق، کشورهای صادرکننده نفت که با توجه به مزایای رقابتی در تولید و صادرات این منبع انرژی، در مسیر توسعه‌ی اقتصادی خود به صادرات منابع طبیعی تکیه کرده‌اند، باید اثرات منفی و جانبی بیماری هلندی را نیز در نظر بگیرند. بنا به اظهارات هیلر<sup>6</sup> (2004)، "بیماری هلندی پدیده‌ای است که بر اقتصاد کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، اثر سوء می‌گذارد." در حقیقت افزایش زیاد درآمد، موجب به‌وجود آمدن مازاد در تراز پرداخت‌ها، و سپس سیستم نرخ ارز شناور، منجر به افزایش نرخ ارز کشور می‌شود و رکود اقتصادی به همراه می‌آورد. اثرات بیماری هلندی در اقتصاد می‌تواند به صورت کاهش در تولید و صادرات کالاهای ملی (رقیب کالاهای وارداتی) و افزایش واردات این محصولات ظاهر شود. سپس این شرایط میزان به‌کارگیری نیروی کار داخلی را کاهش داده و نرخ بیکاری را افزایش می‌دهد. لذا کشورهای در حال توسعه مانند صادرکنندگان نفت، باید بدانند چگونه جریان ورودی ثروت را مدیریت کنند تا ارزش پایدار در چرخه‌ی اقتصادی این کشورها ایجاد شود.

1- Intra-Industry Trade.

2- Kay.

3- Vertical Integration .

4- Inter-Industry Trade.

5- Capital-Labour Ratio.

6- Hilaire.

براساس نظر هیلر، از آنجایی که جهان در حال گذار از اقتصادهای کالا محور می‌باشد، ثروت ناشی از درآمدهای موقت (صادرات مواد ابتدایی مانند نفت خام)، باید از طریق تمرکز بر بهبود مهارت های نیروی انسانی در راستای تقویت سرمایه‌های فکری، به منظور ایجاد ثروت دائمی به کار گرفته شود. در عین حال، باید مخارج بخش خصوصی را از طریق اتخاذ سیاست‌های انقباضی مالی در این کشورها، به دقت کنترل کرد.

در ادامه، در بخش 2، عضویت در WTO و تحلیل پرتفوی صادرات، بخش 3، مطالعه تنوع صادرات و تحلیل مزیت نسبی آشکار شده‌ی متوازن، بخش 4، تحلیل پرتفوی صادرات و ملاحظات قابل توجه، بخش 5، تحلیل پرتفوی صادراتی 18 کشور تعدیل شده، بخش 6، یافته‌های تحقیق و بخش 7، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

## 2- عضویت در WTO و تحلیل پرتفوی صادرات

به منظور بررسی اثر عضویت WTO بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه، باید اشاره کرد که چنانچه توسعه‌ی اقتصادی در نتیجه‌ی به‌کار بستن قوانین و مقررات WTO در کشورهای منتخب این تحقیق محقق شود، آن‌گاه صنایع رقابتی نوظهور در این اقتصادها پا به عرصه وجود خواهد نهاد. در حقیقت نشانه‌ی صنعتی شدن این کشورها، می‌تواند به شکل تغییر تدریجی و پایدار در الگوی تولید و صادرات از مواد اولیه به محصولات پیچیده ظاهر شود. چنری<sup>1</sup> (1979)، در پژوهش خود با عنوان "تغییر ساختاری و سیاست توسعه" بیان می‌کند که "صنعتی شدن، نشانه‌ی اصلی انتقال جوامع از اقتصاد سنتی به اقتصاد پیشرفته و توسعه یافته می‌باشد." بنابراین تغییرات در پرتفوی صادرات را می‌توان به عنوان شاخص صنعتی شدن در نظر گرفت که به شناسایی میزان موفقیت کشورها در بهره‌برداری از عضویت در WTO در راستای صنعتی شدن و توسعه‌ی اقتصادی، کمک می‌کند.

در عین حال، باید به این نکته توجه کرد که اقتصاد کشورهای در حال توسعه معمولاً به تعداد بسیار محدودی از کالاهای ابتدایی (مانند نفت خام) وابسته است. مروری مختصر بر آمیخته‌ی صادرات در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که کشاورزی، نساجی، پوشاک و معدن کاوی، بخش‌هایی بوده‌اند که در طول دهه‌ها سال برای این اقتصادها منابع اصلی درآمد حاصل از تجارت بین‌الملل محسوب شده‌اند. بر

1- Chenery.

اساس مطالعه‌ی زیگفرید شولتز<sup>1</sup> (1977)، این موضوع روشن شده است که مهم‌ترین بخش کالاهای موجود در سبد صادرات کشورهای در حال توسعه را، کالاهای ابتدایی، شامل محصولات کانی مانند سنگ معدن و فلزات، نفت‌خام و محصولات کشاورزی تشکیل داده است. در بخش تولیدی، تنها صنایع مواد غذایی در این کشورها رتبه‌ی بالایی داشته است. اگرچه این بخش‌ها تاکنون نقش مهمی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه ایفا کرده‌اند، در صورت محقق شدن توسعه‌ی اقتصادی ناشی از پدیده‌ی آزاد سازی تجاری (حاصل از عضویت در سازمان تجارت جهانی) در این کشورها، با ظهور صنایع رقابتی جدید، نقش بخش‌های مزبور به تدریج در فرایند توسعه کاهش خواهد یافت.

بررسی پرتفوی صادرات نه تنها برای مشخص کردن نقش بخش‌های رقابتی مختلف در شکل‌گیری آمیخته‌ی تولید و صادرات یک کشور مفید است، بلکه می‌تواند نشان دهد که چگونه کشور در راستای هدف صنعتی شدن حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، چنان‌چه کشوری در بخش‌هایی که به طور معمول محصولات اولیه تولید و صادر می‌کنند (مانند بخش کشاورزی)، از توانایی بالایی برخوردار باشد، به طور حتم در تجارت بین‌الملل موفق نخواهد بود.

کشورهای در حال توسعه برای صنعتی شدن، به تدریج باید از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع جدید، از تولید و صادرات مواد اولیه به سوی تولید و صادرات محصولات تولیدی پیچیده‌تر حرکت کنند. برخی محققان از جمله گوتیرز و فرانتینو<sup>2</sup> (1997)، استانلی و بانینگ<sup>3</sup> (2001) که مطالعاتی در مورد تنوع صادرات و اهمیت آن در رشد اقتصادی انجام داده‌اند، نوآوری تکنولوژیکی را به عنوان نقطه‌ی آغازین حرکت، جهت صنعتی شدن مطرح کرده‌اند. سپس این فرایند با بهبود در کارایی تولید به عنوان آثار ناشی از جذب تکنولوژی<sup>4</sup>، که مزیت رقابتی بخش‌های مختلف صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ادامه می‌یابد. به عقیده‌ی تیلور<sup>5</sup> (2003)، آزادسازی تجارت و توسعه‌ی بازارهای ناشی از آن، نه تنها فرصت جدیدی برای صادرات محسوب می‌شود و محرکی برای افزایش کارایی تولیدی ایجاد می‌کند، بلکه حرکت به سوی جذب تکنولوژی

1- Schultz.

2- Gutierrez and Ferrantino.

3- Stanley and Bunnagi.

4- Technology Absorbtion

5- Taylor.



پیشرفته‌تر را نیز به دنبال خواهد داشت، لذا بر مبنای این مکانیزم، به نظر می‌رسد پرتفوی صادرات کشور می‌تواند برای پاسخ گویی به فرصت‌های جدید صادرات در اقتصاد، متحول شود.

اگرچه تغییر در ساختار صادراتی کشورهای در حال توسعه ممکن است با موانع جدی مواجه شود، اما شناسایی تکنولوژی مناسب، به غلبه بر این موانع کمک می‌کند. هم‌چنین در صورت جذب تکنولوژی، احتمالاً کشورها ناچار می‌شوند ساختار تولیدی خود را به منظور تطابق با تکنولوژی جذب شده تغییر دهند. بدیهی است که اثر نهایی جذب تکنولوژی می‌تواند در پرتفوی صادراتی کشورها آشکار شود و این همان چیزی است که در این مطالعه برای اولین بار جهت تبیین اثرات عضویت در WTO بر صنعتی شدن، مد نظر قرار گرفته است.

### 3- مطالعه تنوع صادرات و تحلیل مزیت نسبی آشکار شده‌ی متوازن RSCA<sup>1</sup>

در این پژوهش، RSCA که براساس شاخص RCA، بلاسا<sup>2</sup> (1965)، محاسبه شده، مورد مطالعه قرار گرفته است. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه یک کشور می‌تواند در تولید و یا صادرات یک کالا، متخصص و یا غیرمتخصص ارزیابی شود. شاخص یاد شده بین 1- و 1+ تغییر می‌کند. هنگامی که سهم صادرات یک کالا در کشور از سهم صادرات همان کالا در گروه مرجع<sup>3</sup> فراتر می‌رود، RSCA، که در این حالت می‌تواند مقادیر بین صفر و 1+ را به خود اختصاص دهد، درجه‌ی تخصص‌گرایی را نشان می‌دهد. در مقابل، هنگامی که  $0 < RSCA < 1$  باشد، عدم تخصص‌گرایی را ارزیابی می‌کند. چنانچه تخصص‌گرایی در تولید کالاهای بیش‌تری باشد، آن‌گاه تولید محصولات بیش‌تر، با قیمت ارزان‌تر از دیگر کشورها برای آن ممکن می‌شود، و لذا شاهد وقوع تنوع در سبد صادراتی آن کشور خواهیم بود. در این حالت باید توجه کرد که همه چیز در مقایسه با کشورهای گروه مرجع قابل بیان و تفسیر خواهد بود.

1- Revealed Symmetric Comparative Advantage (RSCA)

2- Balassa.

3- گروه مرجع شامل 15 کشور عضو WTO و پنج کشور غیرعضو WTO، جهت مقایسه‌ی این دو گروه در این پژوهش می‌باشد. کشورهای غیر عضو WTO عبارتند از الجزایر، ایران، لیبی، سوریه و یمن. کشور عربستان به‌علت عدم امکان بروز شواهد تجارت آزاد در بازه‌ی زمانی بسیار کوتاه پس از عضویت، هم‌چنان در گروه غیر اعضا قرار گرفته است.

بر اساس شاخص بلاسا (1965)، معادله‌ی RCA برای صنعت (i) و کشور (j) به صورت رابطه (1) نوشته می‌شود:

$$RCA_{ij} = \frac{X_{ij} / \sum_i X_{ij}}{\sum_j X_{ij} / \sum_i \sum_j X_{ij}} \quad (1)$$

در این فرمول،  $X_{ij}$  صادرات به جهان در صنعت 1 و کشور j را نشان می‌دهد. معادله‌ی فوق را می‌توان به شکل زیر نیز نشان داد:  
صادرات کالای i توسط کشور j

جمع کل صادرات کشور j

$$RCA_{ij} = \frac{\text{جمع کل صادرات کالای i توسط همه‌ی کشورهای گروه مرجع}}{\text{جمع کل صادرات همه‌ی کشورهای گروه مرجع}}$$

شاخص RSCA بر اساس فرمول (RCA)، بلاسا (1965) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$RSCA_{ij} = (RCA_{ij} - 1) / (RCA_{ij} + 1) \quad (2)$$

در این معادله که برای تعدیل شاخص RCA توسط لارسن<sup>1</sup> ارائه شده است<sup>2</sup> داریم:  
 $i =$  صنعت یا کالا  $j =$  کشور  $0 < RCA < +\infty$   $-1 < RSCA < +1$   
همان‌گونه که در فوق اشاره شد:  $0 < RSCA < +1$ ، یعنی کشور در تولید / صادرات محصول فرضی الف نسبت به سایر کشورهای گروه مرجع دارای مزیت نسبی است. هم‌چنین به منظور بررسی تغییر در ساختار صادرات کشورهای منتخب بین دو دوره‌ی زمانی  $t_0$  و  $t_1$ ، بر اساس تحلیل RSCA، از رگرسیون خطی گالتونی<sup>3</sup> به شرح زیر بهره برداری شده است:

$$RSCA_{ij, t1} = \alpha_j + \beta_j RSCA_{ij, t0} + \varepsilon_i \quad (3)$$

1- Laursen, The Long Term Development of OECD Export Specialisation Patterns: De-Specialisation and "Stickiness."

2- همان‌گونه که دامنه‌ی تغییرات RCA نشان می‌دهد، مقادیر این شاخص، بین عدد صفر تا مثبت بی نهایت تغییر می‌کند. بر این اساس، توزیع احتمال RCA نرمال نخواهد بود. لارسن، با محاسبه‌ی RSCA، این مشکل را حل کرده است.

3- Galtonian Regression.

در این معادله  $t_0$  و  $t_1$ ، به ترتیب معرف زمان پایه و انتهای دوره هستند. در حقیقت این معادله تغییرات در ساختار صادرات کشور را بین  $t_0$  و  $t_1$ ، با استفاده از مقایسه‌ی توزیع RSCA در دو دوره‌ی مذکور نشان می‌دهد. همان‌طور که تیلور (2003) اذعان می‌دارد، "رگرسیون برای مقایسه‌ی توزیع RSCA در هر کشور در دو نقطه‌ی زمانی استفاده می‌شود"، اما رگرسیون گالتونی چگونه در شناسایی تنوع پرتفوی صادراتی یک کشور قابل استفاده می‌باشد؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان نتایج حاصل از رگرسیون یاد شده را تحلیل و تفسیر کرد؟

در این جا قبل از این که در مورد معیار تفسیر صحبت شود، لازم است تغییر در عامل الگوی تخصص‌گرایی صادراتی (اندازه‌ی مزیت نسبی) و همچنین تغییر در رتبه‌ی مزیت نسبی کشور در صنایع مختلف، که به ترتیب با دو شاخص کنترل  $\beta$  (ضریب  $RSCA_{ij}$ ) و  $R^2$  (ضریب تعیین)<sup>1</sup>، ارزیابی می‌شود، تشریح گردد.

عامل اول ( $\beta$ )، تغییرات شناسایی شده در مقدار مزایای نسبی در هر کشور و عامل دوم ( $R^2$ )، تغییر در رتبه‌ی مزایای نسبی کالاها را برای هر کشور، نشان می‌دهد. اگر در رگرسیون فوق،  $R^2 = 1$  و یا به عبارتی، ضریب همبستگی ( $R$ )، نزدیک به عدد یک باشد، می‌توان نتیجه گرفت که تغییری در رتبه‌ی مزایای نسبی کشور بین دو دوره‌ی زمانی  $t_0$  و  $t_1$ ، رخ نداده است. در عین حال، مقادیر کوچک ( $R$ ) نشان می‌دهد که رتبه‌ی محصولاتی که کشور در صادرات آنها از تخصص بالایی برخوردار بوده، به شدت در دوره‌ی پایانی تغییر یافته است.

بر اساس کنت ول<sup>2</sup> (1989)، چنان‌چه در مقدار تخصص‌گرایی صادراتی در یک کشور تغییری حاصل نشود، ارزش  $\beta$  در رگرسیون گالتونی معادل یک خواهد شد. با توجه به این نکته، و با در نظر گرفتن مقادیر  $\beta$  و  $R$ ، تفاسیر متفاوت رگرسیون به شرح ذیل قابل بررسی است:

اگر  $\beta$  کوچک‌تر از صفر باشد، محصولات با  $RSCA > 0$  در زمان پایه، در زمان انتهای دوره،  $RSCA < 0$  خواهند داشت و بالعکس. بدین معنا که الگوی تخصص‌گرایی صادراتی کشور بین دو دوره، معکوس خواهد شد.

1- مقدار تغییر در  $RSCA_{ij, t1}$  که به وسیله‌ی خط رگرسیون تبیین می‌گردد، با ضریب تعیین نشان داده می‌شود.

2- Cantwell.

اگر فرض  $\beta = 0$ ، قابل رد کردن نباشد، به ویژه اگر این وضعیت با مقادیر پایینی از  $R$  همراه شود، باید گفت که الگوی صادرات بین زمان پایه و انتهای دوره به طور تصادفی تغییر یافته، به عبارت دیگر تغییر مشخصی رخ نداده است.

اگر  $0 < \beta < 1$ ، می‌توان گفت که کشور محصولات با  $RSCA > 0$  را کمتر از زمان پایه صادر می‌کند. همچنین صادرات کالا با  $RSCA < 0$  افزایش خواهد یافت. در این حالت، الگوی صادراتی کشور به سمت میانگین الگوی صادراتی کشورهای گروه مرجع میل می‌کند. در وضعیتی که مقدار  $\beta$  بین صفر و یک باشد، به منظور تحلیل نتایج، باید اثر رگرسیون گالتونی و همچنین اثر جابه‌جایی را که به ترتیب با  $(1-\beta)$  و  $(1-R)$  نشان داده می‌شوند، محاسبه کرد. چنان‌چه ارزش  $R$  و  $\beta$  نزدیک به یک باشد، اثر رگرسیون گالتونی و اثر جابه‌جایی قابل چشم‌پوشی است. براین اساس، می‌توان گفت که الگوی صادرات یا رتبه‌بندی مزیت نسبی کشور در مقایسه با سایر کشورهای گروه مرجع تغییر نکرده است. در مقابل، چنان‌چه این اثرات قابل ملاحظه باشند (مثلاً هنگامی که ارزش  $R$  و  $\beta$  نزدیک به صفر و همچنین مقدار  $\beta$  از  $R$  بزرگ‌تر باشد)، آن‌گاه:

در این حالت می‌توان گفت: الگوی صادرات یا رتبه‌بندی مزیت نسبی کشور در مقایسه با سایر کشورهای گروه مرجع تغییر کرده و یا این‌که پرتفوی صادرات بین دو نقطه‌ی زمانی متنوع شده است.

اگر فرض  $\beta = 1$ ، قابل رد کردن نباشد، به ویژه اگر این وضعیت با مقادیر بالایی از  $R$  همراه شود، باید گفت که الگوی صادرات بین زمان پایه و انتهای دوره ثابت بوده و تنوع صادراتی رخ نداده است.

اگر  $\beta > 1$ ، می‌توان گفت که کشور، محصولات با  $RSCA > 0$  را بیش‌تر از زمان پایه صادر می‌کند. همچنین صادرات کالا با  $RSCA < 0$  کاهش خواهد یافت. در این حالت، اگر داشته باشیم:  $R < 1$  یا  $R < 1$  می‌توان گفت:

کسر فوق که شرط تنوع صادراتی را نشان می‌دهد، بیان می‌دارد که الگوی تخصص‌گرایی صادرات کشور ممکن است با کاهش در دامنه‌ی کالاهای صادراتی محقق شود.

دوره‌ی زمانی برای تحلیل تغییرات  $RSCA$  برای زمان پایه شامل سال‌های 1988، 1989 و 1990 (دوره‌ی سه ساله به فاصله‌ی چهار سال قبل از سال 1995) و نیز برای

زمان انتهایی دوره‌ی شامل سال‌های 2006، 2007 و 2008 (دوره‌ی سه ساله به فاصله‌ی ده سال بعد از سال 1995) می‌باشد.

#### 4- تحلیل پرتفوی صادرات و ملاحظات قابل توجه

به منظور بررسی این‌که آیا پرتفوی صادرات کشورهای صادرکننده‌ی نفت پس از عضویت در WTO بین سال‌های 1988 تا 2008 متنوع شده است یا خیر، پایگاه داده‌های آنکتاد<sup>1</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. 2. داده‌های مربوط به کشورهای صادرکننده‌ی نفت در این پایگاه داده‌ای، براساس سطح سه رقمی سیتک<sup>3</sup> تهیه شده است. 4.

به منظور تحلیل تنوع صادرات، مقدار RSCA، براساس صادرات هر کالا از هر کشور به بازارهای بین‌المللی، به طور مستقیم بر مبنای اعداد و ارقام آنکتاد اندازه‌گیری شده است. 5. هم‌چنین به منظور اندازه‌گیری توان واقعی صادرات این کشورها، از محسوب نمودن صادرات کالاهایی که ارزش آن‌ها در هر دو زمان پایه و انتهایی دوره، کم‌تر از یک میلیون دلار آمریکا بوده، صرف نظر شده است. به عبارت دیگر با توجه به فاصله‌ی زمانی 3 ساله که در این پژوهش برای بازه‌ی زمانی اول (از 1988 تا 1990) و دوم (بین 2006 و 2008) در نظر گرفته شده است، محصولات با ارزش صادرات سالانه‌ی کم‌تر از 330000 دلار آمریکا، در این پژوهش حذف شده‌اند. 6. این تعدیل می‌تواند از جهتی در در این پژوهش مفید واقع شود. در حقیقت، گاهی ممکن است، از آمار تعداد کل کالاهای صادراتی در یک کشور، به عنوان فاکتوری جهت ارزیابی قدرت تولید و صادرات آن کشور استفاده شود، در حالی که این نوع اندازه‌گیری در زمانی که ارزش یا حجم صادرات کالاها بسیار ناچیز باشد، گمراه کننده خواهد بود.

1- United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD).

2- <http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>

3- Standard International Trade Classification (SITC).

4- UNCTAD, Trade Structure by product (1995-2009) based on SITC Revision3 at: <http://unctadstat.unctad.org/ReportFolders/reportFolders.aspx>

5- با توجه به این‌که بیش‌تر محصولات صادراتی کشورهای صادرکننده‌ی نفت مشابه یکدیگر است، سایر کشورهای جهان به‌عنوان بازار بین‌المللی برای این کشورها در نظر گرفته شده‌اند و از صادرات بین کشورهای منتخب، چشم‌پوشی شده است.

6- سهم تجمعی کل برای موارد حذف شده برای همه‌ی کشورها در بازه‌ی زمانی دوم (2006-2008)، به غیر از گابن و یمن، در سطح حداکثر کم‌تر از 1% بوده است.

به عنوان مثال، همان‌طور که جدول 2 نشان می‌دهد، تعداد محصولات صادراتی برای کامرون و نروژ در هر دو بازه‌ی زمانی اول و دوم بسیار نزدیک به هم بوده است. از سوی دیگر، هنگامی که کالاهای با ارزش صادراتی ناچیز از آمار صادرات دو کشور حذف

جدول 2- تعداد محصولات صادراتی قبل و بعد از تعدیلات در هر دو زمان پایه و انتهای دوره برای کشورهای منتخب صادرکننده نفت

کشور	الجزایر	آنگولا	برونی	کامرون	مرحله	
					قبل از تعدیل	S1 <sup>1</sup>
						S2
					پس از تعدیل	S1
						S2
					کشور	
					قبل از تعدیل	S1
						S2
					پس از تعدیل	S1
						S2
					کشور	
					قبل از تعدیل	S1
						S2
					پس از تعدیل	S1
						S2
					کشور	
					قبل از تعدیل	S1
						S2
					پس از تعدیل	S1
						S2

منبع: محاسبات تحقیق

شوند، (همان‌گونه که جدول (2) نشان می‌دهد)، شماره‌ی کالاها در سید صادرات برای نروژ تقریباً سه برابر بیش‌تر از تعداد کالاهای صادراتی کشور کامرون در هر دو بازه‌ی

1- S1 = (1988-1990) و S2 = (2006-2008)

زمانی است. این میزان قابل توجه اختلاف بین تعداد کالاهای صادراتی قبل و بعد از تعدیل، در سایر کشورهای بررسی شده در این تحلیل نیز به چشم می‌خورد.

### 5- تحلیل پرتفوی صادراتی 18 کشور تعدیل شده

در ابتدا باید به این نکته توجه کرد که بر اساس فرمول رگرسیون خطی گالتونی، تنها تغییرات، قابل بررسی می‌باشند، ولی دلایل و علل مرتبط با آن‌ها مشخص نمی‌شود. نتایج تجربی به‌دست آمده از تحلیل RSCA<sub>ij</sub> در 18 کشور صادرکننده نفت<sup>1</sup> در جدول 3 خلاصه شده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، ارزش  $\beta$ ، به گونه‌ای قابل توجه در تمامی کشورهای مورد مطالعه بین صفر و یک محاسبه شده است، که همگی در سطح اطمینان 95 درصد معنادار هستند. بر این اساس، تمامی کشورهای منتخب، در گروه سوم معیارهای تفسیر رگرسیون گالتونی (مورد اشاره در بخش سوم این تحقیق) قرار می‌گیرند.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در وضعیتی که مقدار  $\beta$  بین صفر و یک باشد، به منظور تحلیل نتایج، باید اثر رگرسیون گالتونی و همچنین اثر جابه‌جایی را محاسبه کرد. چنانچه ارزش  $R$  و  $\beta$  نزدیک به یک باشد، اثر رگرسیون گالتونی و اثر جابه‌جایی قابل چشم‌پوشی است. در صورتی که این اثرات قابل ملاحظه باشند (مثلاً هنگامی که ارزش  $R$  و  $\beta$  نزدیک به صفر باشد و همچنین مقدار  $\beta$  از  $R$  بزرگ‌تر باشد)، آن‌گاه:

$$|\beta| / |R| > 1$$

که در این حالت می‌توان گفت: الگوی صادرات کشور در مقایسه با سایر کشورهای گروه مرجع تغییر کرده و یا این که پرتفوی صادرات بین دو نقطه‌ی زمانی متنوع شده است.

با نگاهی اجمالی به جدول (2)، که تعداد محصولات صادراتی کشورهای منتخب را در دو زمان پایه و انتهای دوره‌ی مورد مطالعه نمایش می‌دهد، به روشنی می‌توان افزایش تعداد محصولات صادراتی این کشورها را بین دو دوره‌ی زمانی مورد تحقیق (S1 و S2) مشاهده کرد. همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد، در این مورد، بین کشورهای دو گروه مورد تحقیق (عضو و غیر عضو سازمان تجارت جهانی) تفاوت چندانی دیده نمی‌شود.

1- تحلیل پرتفوی صادرات برای کویت و امارات متحده‌ی عربی، به‌دلیل در دسترس نبودن اطلاعات انجام نشده است.

بالاترین رتبه، از نظر میزان افزایش در تعداد محصولات صادراتی بین دو بازه‌ی زمانی تحقیق، براساس جدول (با افزایش 147 ردیف کالا)، متعلق به ایران است. از این نظر، کشورهای نیجریه (با افزایش 107 ردیف کالا)، اکوادور (با افزایش 98 ردیف کالا)، قطر (با افزایش 95 ردیف کالا)، عمان (با افزایش 78 ردیف کالا)، یمن (با افزایش 75 ردیف کالا)، و سوریه (با افزایش 74 ردیف کالا) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در اینجا باید به این نکته توجه کرد که چنانچه میزان ضریب بتا در جدول (3)، بین صفر و یک باشد، افزایش تعداد محصولات بررسی شده در جدول (2)، زمانی به عنوان شاخص تنوع صادراتی در این کشورها مورد تأیید قرار می‌گیرد که براساس معیار فوق، دو شرط زیر را تأمین کند:

ارزش  $R$  و  $\beta$  باید از نظر عددی کوچک باشد. در این حالت میزان اثر رگرسیونی و اثر جابه‌جایی قابل ملاحظه خواهد بود.

باید رابطه‌ی مقابل بین ارزش‌های  $R$  و  $\beta$  برقرار باشد:

$$|\beta| / |R| > 1$$

در این راستا، براساس نتایج خلاصه شده در جدول (3)، کشورهای منتخب را می‌توان به دو گروه زیر دسته بندی کرد:

1- کشورهای با سبب صادراتی غیرمتنوع: کشورهایی که کسر ارزش  $\beta$  به  $R$  در آن‌ها کم‌تر از یک است. در این دسته، کشورهایی هم چون الجزایر، کامرون، مصر، قطر، عربستان سعودی و ونزوئلا قرار می‌گیرند. چنانچه عربستان را در این تحقیق جز اعضای WTO محسوب نکنیم، هر چهار کشور کامرون، مصر، قطر و ونزوئلا از اعضای قدیمی سازمان تجارت جهانی هستند که بر اساس مطالعات حاضر سبب صادراتی آن‌ها چندان متنوع نشده و در صورتی که محصولات اصلی آن‌ها رتبه بندی شود، هم‌چنان از صادر کنندگان مواد اولیه به شمار می‌روند.

2- کشورهای با سبب صادراتی متنوع شده: کشورهایی که کسر ارزش  $\beta$  به  $R$  در آن‌ها بیش‌تر از یک است. با توجه به جدول (3)، کشورهای آنگولا، برونئی، کنگو، اکوادور، گابن، ایران، لیبی، نیجریه، نروژ، عمان، سوریه و یمن در این گروه دسته بندی می‌شوند. چنانچه آثار رگرسیون گالتونی و جابه‌جایی، مورد دقت قرار گیرد، کشورهای

جدول 3 - تخمین رگرسیون برای کشورهای منتخب صادرکننده‌ی نفت

کشور	$\alpha$	$\beta$	$R$	$R^2$	$1-\beta$	$1-R$	$ \beta  /  R $	$L_{95}$	$U_{95}$	$N$
------	----------	---------	-----	-------	-----------	-------	-----------------	----------	----------	-----



120	0/355	0/199	0/65952380	0/580	0/723	0/177	0/420	0/277 (6/975)	-0/664 -18/822 ( )	الجزایر
64	0/778	0/516	1/19152854	0/457	0/353	0/295	0/543	0/647 (9/740)	-0/305 (-4/647)	آنگولا
72	0/554	0/266	1/17478510	0/651	0/590	0/122	0/349	0/410 (5/614)	-0/431 (-6/255)	برونئی
87	0/696	0/531	0/87948350	0/303	0/387	0/486	0/697	0/613 (14/664)	-0/302 (-8/053)	کامرون
69	0/700	0/403	1/26086956	0/563	0/449	0/191	0/437	0/551 (7/319)	-0/290 (-3/978)	کنگو
161	0/782	0/539	1/13965517	0/420	0/339	0/336	0/580	0/661 (10/720)	0/165 (2/915)	اکوادور
193	0/610	0/403	0/93888889	0/460	0/493	0/292	0/540	0/507 (9/667)	0/169 (3/968)	مصر
69	0/687	0/420	1/15932914	0/523	0/447	0/227	0/477	0/553 (8/175)	-0/322 (-4/953)	گابن
218	0/523	0/228	1/18987341	0/684	0/624	0/100	0/316	0/376 (5/014)	0/068 (0/986)	ایران
108	0/527	0/239	1/16678292	0/672	0/617	0/108	0/328	0/383 (5/237)	-0/496 (-7/123)	لیبی
166	0/707	0/430	1/2004219	0/526	0/431	0/225	0/474	0/569 (8/110)	-0/224 (-3/413)	نیجریه
215	0/874	0/692	1/04679144	0/252	0/217	0/559	0/748	0/783 (16/972)	-0/113 (-4/147)	نروژ
168	0/605	0/340	1/11820330	0/577	0/527	0/179	0/423	0/473 (7/037)	-0/083 (-1/442)	عمان
143	0/544	0/316	0/97727272	0/557	0/570	0/196	0/443	0/430 (7/438)	-0/354 (-6/659)	قطر
221	0/504	0/298	0/88520971	0/547	0/599	0/205	0/453	0/401 (7/662)	-0/193 (-5/114)	عربستان سعودی
150	0/799	0/569	1/11582381	0/387	0/316	0/376	0/613	0/684 (11/704)	0/173 (3/282)	سوریه
214	0/414	0/196	0/88921282	0/657	0/695	0/117	0/343	0/305 (5/494)	-0/273 (-7/061)	ونزوئلا
105	0/678	0/357	1/3350515	0/612	0/482	0/151	0/388	0/518 (6/350)	-0/144 (-1/854)	یمن

N = تعداد محصولات صادراتی بیش از یک میلیون دلار آمریکا در هر دو زمان پایه و انتهای دوره

1-β = اثر رگرسیون

1-R = اثر جابه‌جایی

ایران و لیبی به ترتیب بالاترین اثر رگرسیونی و جابه‌جایی را به نمایش می‌گذارند. پس از این کشورها، به ترتیب بروئی، یمن، عمان، کنگو، گابن، نیجریه، آنگولا، اکوادور، سوریه و نروژ از نظر آثار رگرسیونی و جابه‌جایی، رتبه‌ی تغییرات در سبب صادراتی را به خود اختصاص می‌دهند.

براساس این بررسی‌ها، بین سال‌های 1988 و 2008، در کشورهایی که در گروه دو فوق، آثار رگرسیونی و جابه‌جایی بالاتری را نشان داده‌اند، سبب صادراتی به گونه‌ای قابل توجه، متنوع شده است.

همان‌گونه که نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد، نه تنها کشورهای عضو و غیرعضو سازمان تجارت جهانی، در هر دو گروه (کشورهای با سبب صادراتی متنوع شده و یا سبب صادراتی غیر متنوع) دیده می‌شوند، بلکه میزان تنوع در سبب صادراتی کشورهای غیرعضو در مواردی بیش از کشورهای عضو WTO بوده است. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شده، بیانگر این است که بین دو گروه (شامل کشورهای عضو WTO و کشورهای غیرعضو WTO) در مورد تغییرات پرتفوی صادرات در بازه‌ی زمانی  $S_1$  و  $S_2$ ، اختلاف معناداری وجود ندارد. در حقیقت بر اساس نتایج این مطالعه، برخی کشورهای غیر عضو (مانند ایران)، با هدف توسعه‌ی تجارت بین‌المللی، از طریق متنوع کردن سبب صادراتی خود، گام‌های مؤفق‌تری در مقایسه با کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی برداشته‌اند.

## 6- یافته‌های تحقیق

به طور کلی، با توجه به نکات اشاره شده در بالا، نتایج زیر قابل دسترسی هستند: نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، با این فرضیه که "پرتفوی صادرات در کشورهای صادرکننده‌ی نفت، پس از عضویت در WTO، متنوع شده است"، سازگار نیست. چرا که:

اولاً این مهم در برخی از کشورها مانند ونزوئلا (با سابقه‌ی طولانی عضویت در WTO) رخ نداده است، ثانیاً، همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، این اتفاق در برخی کشورهای غیر عضو WTO (مانند ایران) بین سال‌های 1988 و 2008 به طور معنادار و چشم‌گیری محقق شده است.

نتایج ذکر شده در بالا که نتایج تحقیق‌های قبلی را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد، (کراویس<sup>1</sup> 1970، سالواتوره و هتچر<sup>2</sup> 1991، رم<sup>3</sup> 1987، ریدل<sup>4</sup> 1984، سالواتوره 1983 و 1992 – گرین اوی و ساپسفورد<sup>5</sup> 1995 – دلار<sup>6</sup> 1992)، بیان‌گر این است که تجارت بین‌الملل می‌تواند فرایند رشد را به عنوان یک نیروی کمکی و نه موتور رشد، پشتیبانی و تسهیل کند. هم‌چنین نتایج این تحقیق بر این نکته تأکید می‌ورزد که عضویت در WTO و به دنبال آن، آزادسازی تجاری ناشی از آن، به صورت خودکار تغییر مزیت نسبی از مواد اولیه به کالاهای تولیدی پیچیده، را در کشورهای صادرکننده نفت امکان‌پذیر نکرده است. به عبارت دیگر، فعال کردن تجارت خارجی به عنوان نقطه‌ی آغازین حرکت به سمت صنعتی شدن، از طریق عضویت در WTO، در این کشورها به صورت اتوماتیک و خودکار، سطح صنعتی شدن را ارتقای نمی‌دهد.

با مراجعه به پایگاه داده‌های آنکتاد، در مورد آمار تجارت کالا (1995-2009) بر اساس سطح سه رقمی SITC، اگر کالاهای عمده‌ی صادراتی قبل و بعد از عضویت کشورهای صادرکننده‌ی نفت در WTO بررسی شود، مشاهده می‌شود که در کنار صادرات نفت خام که مهم‌ترین کالا در سبد صادرات این کشورها (به غیر از کشور مصر) می‌باشد، سایر کالاهای صادراتی در این کشورها، کالاهای اولیه مانند گاز، فرآورده‌های ساده‌ی نفتی، فلزات پایه، آلومینیوم، ماهی (تازه - سرد - منجمد)، قهوه و جانشین‌های آن، کاکائو، میوه (خشک و تازه)، نساجی، پنبه و چوب می‌باشند. به عبارت دیگر، این کشورها، هنوز بر مبنای مزیت نسبی شان که قبل از عضویت در WTO نیز از آن برخوردار بوده‌اند، کالا تولید و صادر می‌کنند. با توجه به این یافته‌ها، نکات و جنبه‌های منفی ذیل قابل ذکر می‌باشد:

- درحالی که کشورهای صادرکننده‌ی نفت، بر تولید و صادرات مواد اولیه اصرار می‌ورزند، تجارت آزاد ممکن است در کوتاه مدت، درآمدهای صادراتی را در این کشورها افزایش دهد، اما در بلند مدت سبب ارتقای سطح صنعتی شدن آن‌ها نخواهد شد.

1- Kravis.

2- Hatcher.

3- Ram.

4- Reidel.

5- Greenaway and Sapsford

6- Dollar.

- به طور معمول، یک سبب صادراتی متشکل از تعدادی محصولات اولیه، مانع استفاده از مزایای پویای تجارت آزاد خواهد شد.

- درحالی‌که در بیش‌تر کشورهای صادرکننده‌ی نفت، وابستگی صادراتی به نفت خام (پس از عضویت در WTO) همچنان در حد بالایی حفظ شده است، نرخ ذخایر به تولید (R/P) در این کشورها نشان می‌دهد که کاهش چشم‌گیری در درآمدهای نفتی و در نتیجه کاهش قابل توجهی در درآمدهای صادراتی آن‌ها در آینده‌ی نه‌چندان دور مشاهده خواهد شد. این امر به طور خاص ممکن است در برخی کشورهای صادرکننده‌ی نفت که پس از عضویت در WTO قادر به کسب درآمد از تولید و صادرات کالاهای پیچیده نبوده‌اند، اتفاق بیافتد.

#### 7- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فرایند عضویت در WTO معمولاً برای بیش‌تر کشورهای در حال توسعه هزینه‌ی زیادی به همراه دارد، زیرا آن‌ها باید اقتصاد کشورشان را با سیستم‌های تجارت آزاد منطبق کنند؛ همچنین این کشورها مجبورند از قوانین و مقررات پیچیده‌ای در حوزه‌ی تجارت تبعیت کنند. در حقیقت، این کشورها در حال حاضر هزینه‌های مرتبط با عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌پذیرند، چون انتظار دارند از منافع حاصل از صنعتی شدن و توسعه‌ی اقتصادی در آینده‌ای نه‌چندان دور بهره‌برند. همان‌طور که در قبل اشاره شد، اگرچه برخی مطالعات نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری ناشی از عضویت در WTO می‌تواند راه را برای توسعه و صنعتی شدن اعضاء هموار کند، اما باور بر این است که یک نسخه‌ی کلی و یکسان برای بهره‌برداری از تجارت آزاد در جهت توسعه‌ی اقتصادی برای همه‌ی کشورها وجود ندارد، زیرا کشورها مانند هم نیستند. به منظور دست‌یابی به نتایج عملی‌تر و کاربردی‌تر در مطالعات آتی، دو مسیر زیر پیشنهاد می‌شود:

- مطالعات آتی می‌توانند بیش‌تر مفید واقع شوند، اگر اثرات آزادسازی تجاری را در کنار دیگر فاکتورهای مؤثر بر فرایندهای صنعتی شدن و توسعه‌ی اقتصادی در مدل‌های خود در نظر بگیرند.

- این مطالعات برای آن که بیش تر قابل اطمینان باشند، بهتر است شامل تحلیل‌های موردی<sup>1</sup> باشند تا بتوانند با دقت بالاتری روابط بین فاکتورهای غیرمشهود را آشکار کنند.

در حال حاضر مدل ساده و قابل اطمینانی برای تشریح رابطه‌ی پیچیده بین تجارت و صنعتی شدن وجود ندارد. بدیهی است مدل‌هایی که بر مبنای فاکتورهای ضعیفی بنا نهاده شده‌اند، نمی‌توانند به درستی رابطه‌ی دقیق بین تجارت و رشد اقتصادی را پیش بینی کنند؛ به ویژه زمانی که داده‌ها از منابع مختلف به‌دست آمده باشد. به عبارت دیگر، قضاوت درباره‌ی آینده‌ی کشورهای در حال توسعه با استفاده از مدل‌های ساده و در عین حال ضعیف، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در این راستا، لازم است هر کشور مطالعه‌ی مخصوص به خود را در دستور کار قرار دهد، تا نتایج آن، مکمل تحلیل‌های کمی در سطح کلان باشد. این بدان معناست که تعمیم نتایج حاصل از تحقیقات قبلی در خصوص رابطه‌ی بین تجارت آزاد و توسعه‌ی اقتصادی، ممکن است کمک قابل توجهی به کشورهای در حال توسعه در جهت یافتن راه حل مناسبی برای عدم توفیق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، بدون انجام تحلیل‌های خاص (موردی) در هر کشور، ارائه نکند.

هیچ کس بر این باور نیست که تنها عامل و فاکتور مهم و مؤثر در توسعه‌ی اقتصادی، تجارت است، بلکه عوامل دیگری نیز بر فرایند توسعه مؤثرند. پیشنهاد می‌شود که اولویت، شناسایی این عوامل در هر کشور، مختص همان کشور باشد، زیرا نتایج چنین بررسی‌هایی می‌تواند نشان دهد که توسعه چگونه (در صورت آزاد سازی تجاری) اتفاق می‌افتد. بر اساس تئوری سالواتوره (1996)، کاهش موانع تجاری، یا به عبارتی آزادسازی تجاری، رشد اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه از طریق جذب تکنولوژی‌های جدید، هم‌سوسازی فعالیت‌های تحقیق و توسعه، صرفه جویی در قیاس، تولید کاراتر، بهره برداری کاراتر از منابع و هم‌چنین معرفی محصولات و کالاهای جدید، امکان پذیر می‌سازد. بنابراین به منظور دستیابی به اطلاعات مؤثقتر، بهتر است اثر فاکتورهایی چون نیروی انسانی ماهر، سرمایه‌گذاران نوآور، صنایع رقابتی، کیفیت مدیریت و ... نیز در این حوزه به دقت بررسی شود.

با استناد به سیاست گذاری توسعه<sup>1</sup>، کشورهای صادرکننده‌ی نفت، باید تلاش کنند تا در بازه‌ی زمانی کوتاه‌تری توسعه یابند، چرا که تنها از این طریق ممکن است بتوانند

از شوک بزرگی که در نتیجه‌ی حذف نفت خام از سبد صادراتی آن‌ها رخ خواهد داد، جلوگیری و یا آن را به نوعی تعدیل کنند. این اصل برای کشورهای فقیرتر و پرجمعیت‌تر، بسیار حیاتی است.

باور بر این است که در سطح کلان اقتصادی، کشورهای صادرکننده‌ی نفت باید سیاست‌های توسعه‌ی خود را با در نظر گرفتن محدودیت زمان مرتبط با نسبت R/P (نسبت ذخایر به تولید) تنظیم کنند. این کشورها باید درباره‌ی منابع جدید انرژی که در آینده پس از اتمام نفت نیاز خواهند داشت، فکر کنند. اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌هایی جهت مبارزه با بیماری هلندی، از طریق بهره برداری از سیستم‌های مالی کارا، از عوامل مهمی است که در این کشورها باید به آن‌ها توجه کرد. هم‌چنین، بهبود سرمایه‌ی انسانی در این کشورها باید مدنظر قرار گیرد، تا آن‌ها بتوانند برای جذب تکنولوژی و تغییرات ساختاری آمادگی لازم را کسب کنند.

در سطح کلان، باید به تخصیص ثروت ملی به صنایعی که با مزیت نسبی کنونی سازگارترند و راه را برای توسعه‌ی صنایع رقابتی جدید باز می‌کنند، توجه شود. از سویی این کشورها باید بر روی محصولات جدید تجاری - صادراتی نیز سرمایه‌گذاری کنند. به عبارت دیگر آن‌ها باید پول و سرمایه‌ی موقت را از طریق سرمایه‌گذاری در صنایعی که سود بالقوه دارند، به ثروت دائمی تبدیل کنند و بالاخره باید بر تولید و صادرات خدمات پرمنفعت نیز تأکید شود.

خلاصه این‌که باید گفت: تغییرات در مزیت رقابتی از تولید محصولات اولیه به محصولات پیچیده‌تر، تلاش وسیعی می‌طلبد که آزادسازی تجاری تنها بخشی از این فعالیت چالش برانگیز را تشکیل می‌دهد.

### توصیه‌ها پیرامون عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

طبق نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر، آزادسازی تجاری تنها عامل مهم و مؤثر در رشد اقتصادی نمی‌باشد، بلکه عوامل دیگری نیز در توسعه‌ی اقتصادی کشورها مؤثرند. به دیگر سخن، عضویت در WTO نمی‌تواند شرط کافی برای توسعه‌ی اقتصادی ایران تلقی شود. در حقیقت نتایج تحقیق حاضر، آزادسازی مشروط تجاری را در ایران پیشنهاد می‌کند. چه بسا با شرایط کنونی حاکم بر کشور، این عضویت تبعات منفی

بیش تری در پی داشته باشد. همان طور که در حال حاضر از 153 عضو این سازمان حداقل 30 کشور جزو کشورهای کم تر توسعه یافته جهان به شمار می روند که عضویت در WTO نتوانسته وضعیت اقتصادی آن ها را بهبود بخشیده و این کشورها را به مرحله ی بالایی از رفاه و توسعه برساند. اگر ایران راهبرد توسعه ی صادرات و توسعه ی صنعتی هم زمان نداشته باشد، از عضویت در WTO بهره ای نخواهد برد. عضویت در سازمان تجارت جهانی الزاماتی برای کشورها از جمله خصوصی سازی، تصویب قانون جذب سرمایه ی گذاران خارجی، کاهش مالیات بر درآمد شرکت ها و ... ایجاد می کند که بدون تغییر در ساختار اقتصادی کشور موفقیت آمیز نخواهد بود. باید توجه کرد که دست و پاگیری قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت های اقتصادی، تورم بالا، کاهش جذب سرمایه های خارجی، فقدان تکنولوژی های نوین و پیچیده، کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، بوروکراسی پیچیده و نظام ناکارآمد اداری و عواملی از این قبیل منجر به کاهش توان رقابتی بنگاه های ایرانی در بازارهای جهانی شده است. پیوستن به WTO در چنین وضعیتی، نه تنها کمکی به رشد اقتصاد ایران نخواهد کرد، بلکه شرایط نامساعدتری نسبت به موقعیت کنونی برای کشور ایجاد خواهد کرد.

لذا بهره برداری مؤفق ایران از عضویت در سازمان تجارت جهانی، مستلزم رعایت مبانی و شرایطی است که قدرت رقابت پذیری کشور را از ابعاد مختلف اقتصادی، تکنولوژیکی، نیروی انسانی و ... تقویت کند. در ذیل نکاتی مورد اشاره قرار گرفته است که در کنار موضوع عضویت در WTO باید مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد:

- بازنگری در سیاست های صادراتی و تدوین استراتژی های صادراتی با رویکرد توسعه ی صادرات غیرنفتی و تنوع بخشی به سبد صادراتی کشور.
- جذب تکنولوژی های نوین جهت افزایش توان رقابتی بنگاه های تولیدی و خدماتی
- تقویت زیرساخت های کشور برای افزایش بهره وری و توان رقابتی
- توانمندسازی و آموزش های تخصصی نیروی انسانی جهت کسب مزیت نسبی در سرمایه های فکری
- تمرکز بر تولید و صادرات کالاهای پیچیده به جای کالاهای اولیه به منظور ایجاد ارزش افزوده
- تسریع در توسعه ی سیاست های متنوع سازی صادراتی جهت مقابله با شوک بزرگی که نتیجه ی حذف نفت خام از سبد صادراتی کشور خواهد بود.
- تغییرات ساختاری بنیادین جهت تطابق با تغییرات سریع در بازارهای جهانی
- سرمایه گذاری و توسعه ی صنایع رقابتی جدید و پرمفعت

- توسعه درآمدهای خدماتی از طریق گسترش صنایع تجاری، خدماتی، تفریحی،  
توریسم و ...

### فهرست منابع

Balassa, B., 1965. Trade Liberalisation and "Revealed" Comparative Advantage. *The Manchester School of Economics and Social Studies*, 33:99-128.

*BP Statistical Review of World Energy* June 2004 [online]. Available from: [http://www.bp.com/liveassets/bp\\_internet/globalbp/globalbp\\_uk\\_english/publications/energy\\_reviews/STAGING/local\\_assets/downloads/spreadsheets/statistical\\_review\\_of\\_world\\_energy\\_full\\_report\\_workbook\\_2004.xls](http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/globalbp/globalbp_uk_english/publications/energy_reviews/STAGING/local_assets/downloads/spreadsheets/statistical_review_of_world_energy_full_report_workbook_2004.xls) .

Cantwell, J., 1989. *Technological Innovation and Multinational Corporations*. Basil Blackwell, Oxford.

Chenery, H.B., 1979. *Structural Change and Development Policy*. Oxford: Oxford University Press.

Chenery, H.B., et al. 1986. *Industrialization and Growth*. New York: Oxford University Press.

Chenery, H. B., & Syrquin. M., 1974. *Patterns of Development*. New York: Oxford University Press.

Dalum, B., Laursen, K., & Villumsen, G., 1996. *The Long Term Development of OECD Export Specialisation Patterns: De-Specialisation and "Stickiness."* Danish Research Unit for Industrial Dynamics Working Paper NO. 96-14. Copenhagen, Denmark: Aalborg University.

Dollar, D., 1992. Outward-oriented developing economies really do grow more rapidly: Evidence from 95 LDC's, 1976-1985. *Economic Development & Cultural Change* [online], Volume 40 (3), 523-545. Available from:

<http://search.epnet.com/login.aspx?direct=true&db=buh&an=9209212120> .

Greenaway, D., & Sapsford, D., 1995. Exports, Growth and Liberalization: An Evaluation. *Journal of Policy Modeling*.

Gutierrez de Pineres, S., & Ferantino, M., 1997. Export Diversification and Structural Dynamics in the Growth Process: The Case of Chile. *Journal of Development Economics*, 52:375-391.

Hilaire, N. ST, 2004. Dutch Disease, Oil and Developing Countries. University of Alberta. [online], Available from: <http://www.business.ualberta.ca/CABREE/projects/student/studentproj.htm> .

Kay, J., 1995. *Foundation of Corporate Success*. Great Britain: Oxford university press.

Kravis, I.B., 1970. Trade as a Handmaiden of Growth: Similarities between the 19th and 20th Centuries. *Economic Journal*.



Ram, R., 1987. Exports and Economic Growth in Developing Countries: Evidence from Time Series and Cross-Sectional Data. *Economic Development and Cultural Change*.

Reidel, J., 1984. Trade as an Engine of Growth in Developing Countries, Revisited. *Economic Journal*.

Salvatore, D., 1983. A Simultaneous Equations Model of Trade and Development with Dynamic Policy Simulations. *Kyklos*, No. 1.

Salvatore, D., 1992. *Handbook of National Trade Policies*. New York/Westport: North-Holland/Greenwood Press.

Salvatore, D., 1996. International Trade Policies. Industrialisation, and Economic Development. *International Trade Journal* [online], Volume 10(1), 21-47. Available from:

<http://search.epnet.com/login.aspx?direct=true&db=buh&an=5700478> .

Salvatore, D., 2001. *International Economies* (7<sup>th</sup> ed.) New York: John Wiley & Sons, Inc.

Salvatore, D., 2007. *International Economies* (9<sup>th</sup> ed.) New York: John Wiley & Sons, Inc.

Salvatore, D., and Hatcher, T., 1991. Exports and Growth with Alternative Trade Strategies. *Journal of Developing Studies*.

Schultz, S., 1977. Approaches to Identifying Key Sectors Empirically by Means of Input-Output Analysis. *Journal of Development Studies* [online], Volume 14(1), 77-97. Available from:

<http://search.epnet.com/login.aspx?direct=true&db=buh&an=7128707> .

Stanley, D., and Bunnagi, S., 2001. A new Look at the Benefits of Diversification: Lessons from Central America. *Applied Economics*, 33:1369-1383.

Taylor, T., 2003. Export Diversification in Latin America and the Caribbean. *International Trade Journal* [online], Volume 17(2), 101-129. Available from:

<http://search.ebscohost.com/login.aspx?direct=true&db=bth&AN=9756751&site=ehost-live> .

UNCTAD Handbook of Statistics 2005 [online]. Available from:

<http://stats.unctad.org/Handbook> .

UNCTAD Handbook of Statistics 2006 [online]. Available from:

<http://stats.unctad.org/Handbook> .

WTO members list 2004 [online]. Available from:

[http://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm) .